

متن پرسش

سلام علیکم جناب استاد! بنده همان فردی هستم که سوال ۱۲۱۱۵ رو پرسیده بودم. (در این لینک: <http://lobolmizan.ir/quest/12115>) اما بنده با جستجو متوجه شدم برخی سوالات دیگه هم مشابه سوال من وجود دارد. خاصاً سوال ۱۹۱۸ (در این لینک: <http://lobolmizan.ir/quest/1918>) اما احساس می‌کنم پاسخی که به سوال بنده داده اید؛ با پاسخی که به سوال ۱۹۱۸ داده اید اندکی با هم متعارض هستند. شما در پاسخ به سوال ۱۹۱۸ که فرد پرسیده است: «در رساله های مراجع آمده اگر در هنگام صحبت و مشاهده نامحرم خوف مفسده و افتادن به گناه افتادن باشد باید اجتناب شود و گرنه اشکال ندارد. حال این مفسده دقیقا یعنی چه؟! چون که اگر مفسده و گناه را صرفا استمناء و زنا بدانیم آنوقت می‌توان گفت خیلی از این صحبت‌ها مخصوصا آن صحبت‌هایی که در مکان عمومی است این مفسده را ندارد. چون واقعا مثلا چند کلام صحبت با نامحرم یا در خیلی از موارد نگاه به نامحرم موجب استمناء و زنا نمی‌شود. اما اگر بخواهیم دامنه مفسده را آنچنان وسیع در نظر بگیریم که حتی مثلا اینکه ممکن است بعد از صحبت با نامحرم انسان تا چند دقیقه بعد از آن صحبت نیز به فکر نامحرم باشد یا مثلا حتی اینکه مقداری دل انسان در هنگام صحبت بلرزد و ... آنوقت باید گفت شاید بالای ۹۵% مکالمات اینچنین وضعی داشته باشند و طبق این مبنا تقریبا باید گفت بطور مطلق مرد و زن نامحرم نه به هم نگاه کنند نه حتی با هم صحبت کنند. حتی طبق این مبنا مثلا اگر در خیابان زنی از ما آدرس سوال کرد نیز نباید به او جواب داد...» شما پاسخ داده اید: «مسلم منظور از مفسده در ارتباط با نامحرم، همان نوع دوم است ولی باید توجه داشت حتی برای یک جوان در حال عادی این‌طور نیست که اگر نامحرمی از او مثلا آدرسی بپرسد دل او بلرزد مگر این‌که او از تعادل اولیهای که عموم انسان‌ها دارند به جهت غلبه‌ی خیالات (به هر دلیلی که غلبه کرده‌است) خارج شده و صورت‌های ذهنی که خودش به ایجاد آن‌ها دامن زده همواره مدّ نظرش باشد و در برخورد با نامحرم برای او تداعی شود.» اما در پاسخ به سوال بنده فرموده اید: «اولیاء الهی که متوجه ظرائف حالات نفسی خود هستند و خاستگاه‌های توهم را می‌شناسند، متوجه‌اند در چه صحنه‌هایی و هم به میدان می‌آید و حجابِ نظر به حقایق می‌گردد و توصیه‌های آن‌ها ریشه در شناخت حضوری آن‌ها نسبت به ظرائف نفسِ انسانی دارد و هراندازه بیشتر رعایت کنیم بیشتر متوجه نقش تخریبی وهم می‌شویم.» در پاسخ به بنده طوری صحبت کرده اید که حتی یک سلام نیز (طبق همان روایت امیرالمومنین(ع)) می‌تواند زمینه ساز حضور وهم شود. اما در پاسخ سوال ۱۹۱۸ پاسخ داده اید حتی برای یک جوان عادی نیز نباید طوری باشد که اگر خانمی از او آدرسی پرسید دچار مفسده ای بشود مگر اینکه از

تعادل اولیه انسان ها خارج شده باشد. آیا من درست فهمیده ام که ظاهراً بین این ۲ پاسخ تعارضی وجود دارد؟ اگر درست فهمیده ام لطفاً رفع تعارض بفرمائید. اما اگر بد فهمیده ام بفرمائید اشکال کجاست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر نمی‌کنم تعارضی در میان باشد. هر اندازه انسان بیشتر کشیک نفس بکشد بیشتر متوجه ظرائف خطوراتش می‌شود و معنای مفسده در سؤال اول صرفاً آن چیزی نیست که شما نام برده‌اید، بلکه همین‌که انسان در ارتباط با نامحرم گرفتار خطورات و همی شود مفسده است و او را از سیری که باید به سوی حقایق بس متعالی و زیبا و آرام‌بخش جلو ببرد محروم می‌کند. البته فرق می‌کند که یک خانم واقعاً از شما با جدیت تمام آدرس می‌پرسد یا این‌که یک دختر بخواهد دامی برای شما پهن کند؛ این دومی است که باید از آن سریعاً حذر کرد. موفق باشید